

نقش دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در نظام حل و فصل اختلافات کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد

محمد مهدی مرادی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

محمود جلالی*

دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۶/۱۰)

چکیده

در دنیای امروز نقش دریاها و اقیانوس‌ها در زندگی جاری و روند توسعه، مهم و انکارناپذیر است. با عنایت به تنوع بهره‌برداري‌ها و احتمال بروز اختلاف میان کشورها، وجود دیوان بین‌المللی ضروری است. کنوانسیون حقوق دریاها، مهم‌ترین و جامع‌ترین سند موجود در مورد حقوق دریاهاست که یک سامانه کامل، متنوع و کارآمد در زمینه حل و فصل اختلافات بین‌المللی پیش‌بینی کرده است. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها به عنوان نهاد قضایی مستقل، از روش‌های پیش‌بینی شده در این کنوانسیون است. این دیوان، افزون بر آن که مرجعی قضایی برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی در زمینه دریاهاست، می‌تواند از طریق ایجاد عرف و رویه یکسان در توسعه حقوق بین‌الملل دریاها نقش مهمی را ایفا نموده و یکی از مؤثرترین و مناسب‌ترین ابزارهای تطبیق قواعد حقوق دریاها با شرایط متغیر موجود باشد.

واژگان کلیدی

حقوق بین‌الملل، حل و فصل اختلافات، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، کنوانسیون حقوق دریاها.

مقدمه

اقیانوس‌ها و دریاها، از مهم‌ترین ارکان حیات بر روی کره زمین هستند که منابع ارزشمندی را در خود جای داده‌اند و تنوع حیات وحش و منابع زیر بستر آن‌ها موجب شده است که جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر باشند (انصاری، ۱۳۹۴: ۳۷۱). بیش از هفتاد درصد کره زمین را گستره دریاها و اقیانوس‌ها دربرگرفته‌اند که نقش مهمی در توسعه، اقتصاد و تجارت، جنگ، محیط زیست، امنیت، فرهنگ و نحوه زندگی ایفا می‌کنند. این آب‌ها تأثیر شگرفی در زندگی بشر و تمدن انسانی و حفظ صلح جهانی و سلامت کره زمین داشته و انسان رفته‌رفته با هدف بهره‌برداری و برداشت از آن‌ها، به طور فزاینده‌ای به این منابع وابسته شده است (Antunes & Santos, 1999: 215-224).

در نیمه دوم قرن بیستم، عبور نفتکش‌های بزرگ، افزایش تنش در خصوص ادعاهای متعارض نسبت به اقیانوس‌ها و منابع موجود در آن‌ها، زیردریایی‌های هسته‌ای، طرح استقرار سامانه موشک ضد بالستیک در بستر دریا، نمونه‌ای از نگرانی‌ها بود؛ اما در کنار آن، امید به نظامی استوار برای استفاده گسترده‌تر و مدیریت بهتر منابع اقیانوس‌ها و گسترش هماهنگی و حسن نیت میان دولت‌ها نیز وجود داشت (UNCLOS, A Historical Perspective, 1998: 6-7). بنابراین، کشورها به وجود قوانین و مقررات بین‌المللی در زمینه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پی بردند که بخش حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، شرط لازم و ضروری این نظام حقوقی است (Gorshkov, 1976: 46). به طور کلی، نمی‌توان توسعه حقوق دریاها را از توسعه حقوق بین‌الملل جدا کرد؛ زیرا این امر زمانی انجام شده است که کشورهای مستقل ظهور یافته و روابط واقعی بین‌المللی برقرار شده بود (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳۸).

دیوان بین‌المللی حقوق دریاها یک نهاد قضایی مستقل و از جمله روش‌های پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون حقوق دریاهاست که نقش مهمی در زمینه حقوق دریاها ایفا کرده و با وجود اهمیت آن در حل‌وفصل اختلافات، کمتر به تأثیر آن بر کنوانسیون حقوق دریاها توجه شده است. پرسش مطرح این است که آیا دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در تحولات بعد از اجرای کنوانسیون حقوق دریاها ایفای نقش کرده است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، میزان این تأثیرگذاری در توسعه حقوق بین‌الملل دریاها تا چه حد بوده است؟ پس از بررسی رویه و عملکرد دیوان، درمی‌یابیم که دیوان علاوه بر آن که به عنوان مرجع قضایی به حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی می‌پردازد، می‌تواند با تفسیر مواد کنوانسیون، ابهامات را برطرف و از طریق صدور آراء ترافعی و نظرات مشورتی و ایجاد عرف و رویه یکسان، نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل دریاها ایفا کند.

۱. کنوانسیون حقوق دریاها

مقدمه کنوانسیون تصدیق می‌کند که مسائل مربوط به فضای اقیانوس، رابطه نزدیک و دوسویه‌ای با یکدیگر دارند و لازم است که در مجموع بررسی شوند (Oxman, 1995: 355). کنوانسیون حقوق دریاها سند جامع و واحد و یک چهارچوب قانونی فراگیر است که «قانون اساسی دریاها» نیز نامیده شده است. نتایج برآمده از کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق دریاها، از مهم‌ترین رخدادهای در توسعه حقوق بین‌الملل بود که حقوق موجود را تصریح کرد و هنجارهایی را که وضعیت مبهمی داشتند، کم‌کم توسعه داد و عرصه‌های مهم جدیدی که در مورد آن‌ها توافق شده بود، معرفی کرد که از جمله آن‌ها، مقررات مربوط به بهره‌برداری، تحدید حدود مناطق دریایی و آیین‌نامه‌های شیوه‌های حل و فصل اجباری اختلافات بود. این کنوانسیون با توجه به ضرورت‌ها و تحولات جهان، قابلیت تطبیق با نیازهای جامعه بین‌المللی را دارد (Moon, 2016). تقریباً هر مطلبی که امروزه در خصوص امور دریایی رخ می‌نماید، به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر مطالب کنوانسیون است و در این میان، تنها به برخی مسائل انگشت‌شمار، مانند ماهی‌گیری از آب‌های دریای آزاد و بقایای کشتی غرق‌شده قدیمی در بستر اعماق دریاها، توجه کافی نشده است (خلیلی، ۱۳۹۱: ۱۰). در واقع، کنوانسیون تلاشی گسترده و حداکثری را برای توسعه حقوق بین‌الملل و ارتباط جنبه‌های علوم جدید با اقیانوس‌ها و بستر دریاها انجام داده است. چنانچه این کنوانسیون، نظام تعهدآوری را برای حل و فصل اختلافات در نظر نمی‌گرفت، در اصل بی‌اثر می‌شد. از این رو، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها به عنوان نهاد قضایی بین‌المللی، با صلاحیت اختصاصی در مورد اختلافات حقوق دریاها در زمینه تفسیر و اطمینان از اجرای صحیح کنوانسیون ایجاد و در کنار دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفت (Wolfrum, 2006: 2). دیوان حقوق بین‌الملل دریاها شبیه هر دادگاه یا دیوان دیگر در هموار ساختن زمینه برای توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، به ویژه در انجام وظیفه خود در تفسیر کنوانسیون و استفاده از آن در موارد خاص، ایفای نقش کرده است. دیوان ممکن است از طریق قرائتی پویا از کنوانسیون بر حقی تصریح کند و با تغییرات تدریجی در مسائل مربوط به دریا آن را روشن سازد. البته این تنها دیوان‌های دائمی تأسیسی هستند که توسعه مجموعه قواعد عرفی را برای ایجاد ظرفیت و تعهد یک نهاد حقوقی تصمیم‌گیر که منافع بلندمدت تمام کشورها را تأمین می‌کند، روا می‌دانند (Wolfrum, 2006: 7). بر اساس قواعد صلاحیتی کنوانسیون حقوق دریاها، این نهادها قضایی به نهادها معاهده‌ای تبدیل شده‌اند که وظیفه اولیه آن‌ها اجرای کنوانسیون حقوق دریاها در پرتو اهداف آن است. موقعیت این نهادها در زمانی که اختلافی را بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها بررسی می‌کنند،

با موقعیت دادگاه تخصصی حقوق بشر، مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر، قابل مقایسه است (Treves, 2010: 2).

۲. حل و فصل اختلافات در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

نظام ایجادشده توسط کنوانسیون در زمینه حل و فصل اختلافات حقوق دریاها، در مقایسه با سازوکار حل و فصل اختلافات سنتی، بی‌گمان گامی به پیش است (Rao, 2011: para 34). طبق بخش پانزدهم کنوانسیون، سازوکار حل و فصل اختلافات بر مبنای انتخاب آزاد بین دو روش اجباری و اختیاری، بنا شده است. بر این اساس، اگر کشورها نتوانند اختلافات خود را از طریق روش‌های غیراجباری حل و فصل کنند، باید به روش‌های اجباری که متضمن تصمیمات الزام‌آور است، متوسل شوند. این نظام حل و فصل اختلافات چهار ویژگی دارد:

۱. نظام حل و فصل اختلاف موجود، نظامی ثانوی است؛ بدین معنا که طرفین اختلاف در آغاز کار، مکلف به تبادل دیدگاه‌های خود و انجام مذاکرات پیش از توسل به آیین‌های اجباری هستند (ماده ۲۸۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها)؛ سپس می‌توانند بر انتخاب روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز دیگر برای پایان دادن به اختلاف خود، وفق مواد ۲۸۰ و ۲۸۱ کنوانسیون، توافق کنند.

۲. صلاحیت بر طبق بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اجباری است؛ بدین معنا که هر یک از طرف‌های اختلاف می‌تواند به طور یک‌جانبه بدان توسل جوید (ماده ۲۸۶). البته این اصل استثنائاتی نیز دارد که به طور خاص در مورد اختلافات مربوط به منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره (ماده ۲۹۷)، مرزهای سرزمینی و حاکمیت بر سرزمین (ماده ۲۹۸) هستند. ۳. در مواردی که بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مجری است، برآیند آن به طور معمول تصمیمی الزام‌آور است که طرف‌های اختلاف باید بدان پایبند باشند.

۴. واپسین عنصر اصلی نظام حل و فصل اختلاف مقرر در بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، گزینشی بودن آن است؛ بدین معنا که هر دولت عضو یکی از روش‌های چهارگانه حل و فصل اختلاف را به اختیار خود برمی‌گزیند که شامل دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، داوری و داوری ویژه (ماده ۲۸۷) است. این روش که «فرمول مونترو»^۱ نامیده شده، بدین معناست که داوری، اجباری است، مگر آنکه طرف‌های اختلاف از پیش، از طریق صدور اعلامیه یا به صورت موردی، به حل و فصل اختلاف خود از طریق یکی از سه روش دیگر مقرر در ماده ۲۸۷ رضایت داده باشند (مدنی، ۱۳۹۲: ۷۰-۷۲).

۳. ضرورت ایجاد دیوان بین‌المللی حقوق دریاها

پس از انحلال دیوان دائمی و جایگزین شدن دیوان بین‌المللی دادگستری، جامعه بین‌المللی، رفته‌رفته با فراوانی مراجع جدید قضایی، هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح جهانی روبه‌رو بوده است. این روند در جریان دو دهه اخیر پُرشتاب و جهان‌شمول شده است (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۸۷: ۶-۷). افزایش شمار دادگاه‌ها و دیوان‌های جدید، نگرانی خاصی درباره نبود یکپارچگی در اعلام هنجارهای حقوقی و خطر گسستگی ایجاد کرده است (Higgins, 2006). از نظر برخی صاحب‌نظران حقوق، تعدد مراجع قضایی در سطح بین‌الملل موجب چندپارگی و آشفتگی در حقوق بین‌الملل شده است. قاضی شیجرو اودا، هنگام مذاکره در مورد تأسیس دیوان بین‌المللی حقوق دریاها گفت: «آینده ثابت خواهد کرد که تأسیس یک دیوان قضایی دیگر به موازات دیوان بین‌المللی دادگستری اشتباه بزرگی است. نباید دیده بر روی واقعیات بست که حقوق بین‌الملل دریاها، جزء لاینفک حقوق بین‌الملل عمومی به عنوان یک مجموعه بوده و خواهد بود» (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۸۷: ۲۳). بنابراین، برای جلوگیری از تعدد و افزایش مراجع قضایی و حفظ یکپارچگی حقوق بین‌الملل، باید یک رده‌بندی در نظام حقوق بین‌الملل ایجاد شود.

اما به باور برخی دیگر از قضات، مانند قاضی محمد بجاوی: «چندگانگی مراجع حقوقی و رسیدگی، نه فاجعه، بلکه موهبت و فرصت است. در دنیای درهم و برهم و پیچیده روابط بین‌الملل، هرگونه تلاش در جهت رویه‌سازی قضایی بخش‌هایی از آن، علاوه بر آنچه هست، یعنی انسجام‌بخشی و صلح‌سازی روابط دولت‌ها، باید مورد استقبال قرار گیرد» (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۸۷: ۳۱).

از سوی دیگر، تلاش میان محاکم و دیوان‌های مختلف در رسیدگی به قضایا، این گمان را ایجاد می‌کند که آن‌ها در رسیدگی در حال رقابت با یکدیگرند؛ در حالی که این امر می‌تواند برخی اصلاحات را در رسیدگی‌های قضایی بین‌المللی به همراه داشته باشد؛ برای مثال، شیوه رسیدگی فوری کنونی در نهاد حل اختلاف سازمان ملل متحد یا دیوان حقوق دریاهای سازمان ملل متحد، می‌تواند محرکی برای نهادهای قضایی دیگر برای شتاب‌بخشی بیشتر به رسیدگی‌هایشان باشد، یا تصمیم مثبت دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لاگران (آلمان در برابر ایالات متحده، ۲۰۰۱) که تصمیم به اقدامات موقتی پیش از صدور حکم نهایی، تعهدات الزام‌آوری برای طرفین دارد، در رویه سایر محاکم بین‌المللی نیز تأثیر مثبت داشت؛ به گونه‌ای که مثلاً دیوان حقوق دریاها نیز با تبعیت از همین رویکرد، اجرای دستور موقت و اقدامات موقتی را در رویه قضایی خود الزام‌آور دانست (شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۲).

باید امیدوار بود که هر دیوان یا دادگاه بین‌المللی، گر چه فی‌نفسه مستقل است، نباید از تصمیمات مراجع دیگر غافل بماند، تا در نهایت توسعه موزون حقوق بین‌الملل تضمین گردد. در دهه گذشته، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها به سهم خود، در مواردی که مناسب تشخیص دهد در دستورات و آراء خود به تصمیمات دادگاهها و محاکم بین‌المللی دیگر استناد و یا اشاره می‌کند. این دیوان در مورد مسائل حقوق بین‌الملل و عرف به طور منظم به آراء دادگاه بین‌المللی دادگستری رجوع کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به سهم خود، همکاری نزدیکی با دیوان بین‌المللی حقوق دریاها داشته و به ویژه امروزه صلاحیت خود را بر اقدامات موقت گسترش داده است. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان به روشنی بیان می‌کند که دادگاه می‌تواند به «تصمیمات قضایی» به عنوان ابزار فرعی برای تعیین قواعد حقوقی رجوع کند (Higgins, 2006).

دیوان بین‌المللی دادگستری، رکن اصلی قضایی سازمان ملل است و نیک می‌داند که وقتی در قضیه‌ای، اصول و قواعد حقوقی را اعمال می‌کند، در آینده به آن استناد خواهد شد. بنابراین، دیوان صرفاً نهادی برای حل و فصل اختلاف بین طرفین یک اختلاف نیست، بلکه وظیفه دیگر دیوان مشارکت در توسعه و شفاف‌سازی قواعد و اصول حقوق بین‌الملل است. (حیبی و شاملو، ۱۳۹۳: ۷۴). اگرچه ممکن است دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، رکن مستقیم قضایی سازمان ملل متحد نباشد اما نمی‌توان نقش مشابه آن را با دیوان بین‌المللی دادگستری نادیده گرفت. هرچند دیوان بین‌المللی دادگستری از هر حیث (پیشینه فعالیت، گستره صلاحیت‌ها، اهمیت پرونده‌های ارجاعی و...) نسبت به دیوان دریاها ارجح و توانمندتر است، نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، اهمیت ویژه تخصص‌گرایی است که می‌توان آن را به روشنی در ساختار دیوان دریاها دید. این تخصص‌گرایی می‌تواند از جهات متعددی به سود جامعه بین‌المللی باشد.

۴. ویژگی‌های دیوان بین‌المللی حقوق دریاها

از زمان شروع مذاکرات کنفرانس سوم ملل متحد در مورد حقوق دریاها، مشخص بود که شیوه‌ای کارآمد برای حل اختلاف و اطمینان از اجرای مؤثر کنوانسیون، ضروری است. دولت‌های حاضر در کنوانسیون احساس کردند در زمان انجام تعهداتشان بر اساس کنوانسیون، ممکن است با برداشت‌های متفاوت در معنا و مفهوم مفاد کنوانسیون روبه‌رو شوند، برای حل و فصل چنین تفاوت‌هایی، مطابق با حاکمیت قانون باید دادگاهی دائمی و اختصاصی تأسیس شود تا مقررات کنوانسیون بدون تناقض، منصفانه و در چهارچوب پذیرفته‌شده جهانی

تأیید و تفسیر شوند؛ برای مثال، در پروندهٔ جونو تریدر^۱ و پروندهٔ رکلمیشن لند^۲ که دو قاضی اختصاصی هم در روند رسیدگی حضور داشتند، تصمیم‌گیری به اتفاق آرا انجام شد. افزون بر آن، صرف وجود دیوان به عنوان نهادی معتبر، ممکن است مانع از درگیر شدن کشورها در مورد یک اختلاف شود. در واقع، قابل دسترس بودن جبران خسارت از طریق دیوان، روند مذاکره میان کشورها در مورد یک اختلاف را تسهیل نموده و آن‌ها را در رسیدن به یک شیوهٔ حل و فصل خارج از دادگاه، مانند قضیهٔ چایسیری ریفر^۳، یاری کند. به سخن دیگر، دیوان ضامن رفتار مناسب اعضای کنوانسیون است تا اجرای آن به شیوه‌ای عادلانه انجام شود (Wolfrum, 2006: 4). اعتماد به وجود سازوکار حل و فصل اختلاف بی‌طرف، کارآمد و ارزان، می‌تواند به حل و فصل اختلافات کشورها با کمترین گسستگی و اتلاف زمان و منابع کمک کند (Mensah, 1999: 81-82). همچنین توسل به گزینه‌های رسمی حل و فصل اختلافات، می‌تواند مانع از ایجاد هزینه‌های سیاسی محتمل در یک رویارویی ناشی از اختلاف میان کشورها شود. کاملاً قابل درک است که کشورها به جای تحمیل نیروی نظامی خشن، گرایش بیشتری برای پایان دادن به یک رویارویی از طریق تصمیم دادگاهی بی‌طرف دارند (Sohn, 1994: 275). دیوان نسبت به سایر سازوکارهای جایگزین، فوایدی دارد که شامل موارد زیر است:

نخست، دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای نهادی قضایی است که توسط سازمان ملل متحد ایجاد شده است. این مسئله به‌خوبی ثابت شده است که تصمیمات مراجع قضایی نسبت به آراء دادگاه دآوری اقتدار بیشتری (به لحاظ سیاسی و نه حقوقی) دارد. دوم، این حقیقت که دیوان به عنوان نهاد قضایی ویژه، برای تصمیم‌گیری در مواردی که نیاز به خبرگی خاصی است، جایگاه بهتری دارد. افزون بر این، صلاحیت دیوان محدود به تفسیر و اجرای کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاهاست.

سوم، دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای ترکیب خاصی دارد. دیوان با توجه به شعبه‌های متعدد در مقایسه با دیوان بین‌المللی دادگستری، نهاد بسیار بزرگ‌تری است. افزون بر آن، انتخاب قاضی یا اعضا بر خلاف دیوان بین‌المللی دادگستری، کاملاً مستقل از سازمان ملل متحد است. شمار قضات کشورهای جهان سوم در دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای نسبت به دیوان بین‌المللی دادگستری بسیار بیشتر است. همچنین اعضای دائم شورای امنیت نمی‌توانند از موقعیت خود به صورت عملی در انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری بهره‌مند شوند.

چهارم، صلاحیت دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای گسترده‌تر و متفاوت از دیگر نهادهای قضایی بین‌المللی در این زمینه است و دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی اشخاص خصوصی

1. Juno Trader
2. Land Reclamation
3. Chaisiri Reefer

را دارد. این تفاوت زمانی اهمیت می‌یابد که تأسیس نهادهایی، مانند مقام بین‌المللی اعماق و کارگزاری بین‌المللی را مدنظر قرار دهیم؛ زیرا بیشترین اختلافات این نهادها با اشخاص خصوصی حقیقی و حقوقی و یا سایر سازمان‌های بین‌المللی است و این اشخاص بیشتر از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی طرف حساب چنین نهادهایی قرار می‌گیرند. مسائل ناشی از اکتشاف و بهره‌برداری از کف دریا، همانطور که نیاز به مرجعی مانند «مقام» دارد، نیاز به وجود مرجعی برای حل و فصل اختلافات ناشی از این مسائل را نیز مطرح می‌سازد (بند ۱ ماده ۲۹۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ و بند ۱ ماده؟ اساسنامه دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای).

پنجم، کنوانسیون صلاحیت انحصاری شعبه اختلافات بستر دریاهای را به منظور رسیدگی به اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای مفاد آن، در خصوص فعالیت‌ها در منطقه و درخواست برای نظر مشورتی توسط مجمع یا شورای اجرایی «در مورد مسائل حقوقی مطروحه در حوزه فعالیت‌های خود را»، به رسمیت شناخته است.

ششم، دیوان‌ها و دادگاه‌های مذکور در ماده ۲۸۷، ممکن است صلاحیت خود را در موارد آزادی فوری کشتی‌ها و خدمه بر اساس موافقت‌نامه دوجانبه میان اعضا اعمال کنند. کنوانسیون صلاحیت پایانی^۱ را برای رسیدگی به پرونده‌های آزادی سریع کشتی‌ها از بازداشت که به اتهام زیرپا گذاشتن قوانین و مقررات مربوط به منابع زنده در منطقه انحصاری اقتصادی یا آلودن محیط زیست دریایی توقیف شده‌اند، به دیوان اختصاص داده است.

هفتم، از جمله مزایای عمده دیوان، صرفه‌جویی در هزینه و زمان است. دیوان نسبت به دیوان دآوری برای رسیدگی به یک طرح، به زمان بسیار کمتری نیاز دارد. این امکان وجود دارد که در صورت توافق طرفین، آن‌ها خود شعبه‌ای را برای بررسی اختلاف انتخاب کنند یا برای تصمیم‌گیری، رأی ۲۱ قاضی دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای اخذ نشود (Yashavi Nain, (humandignityinternational.weebly.com).

۵. نوآوری‌های کنوانسیون حقوق دریاهای

کنوانسیون حقوق دریاهای، در نتیجه یک روند تدریجی و توسعه تدریجی حقوق دریاهای ایجاد شد و اشکال حقوق بین‌الملل عرفی و مهم‌تر از آن، برخی از قواعد جدید در زمینه اجرای تحقیقات علمی دریایی، برخی از مسیرهای دریایی مجمع‌الجزایری و گسترش فلات قاره تا لبه خارجی حاشیه قاره را ثبت کرد. همچنین کنوانسیون، مفاهیم و تعهدات اساسی و مهمی، مانند اصل «میراث مشترک بشریت» و اصل «تعهد به حفاظت و نگهداری از محیط زیست دریایی» را ارائه کرد که چهارچوبی شگرف برای توسعه آینده حقوق دریاهای است. افزون بر این،

کنوانسیون نهادهای جدیدی، مانند مقام بین‌المللی بستر دریا، کمیسیون تحدید حدود فلات قاره و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها را برای تنظیم این مفاهیم ایجاد کرد که برای اقدام به عنوان بخش جدیدی از نظام حل و فصل جامع اختلاف تأسیس شده بود. همچنین کنوانسیون به منظور شکل‌گیری قواعد عرفی و اتخاذ قواعد متناسب، مقررات و رویه «برای اطمینان از حفاظت مؤثر برای محیط زیست دریایی از اثرات مضر»، نقشی نظارتی را به نهادهایی مانند دیوان بین‌المللی حقوق دریاها و مقام بین‌المللی بستر دریا، تفویض کرد که ممکن است از فعالیت‌ها در این منطقه ناشی شود. افزون بر آن، دولت‌ها را به همکاری از طریق سازمان‌های منطقه‌ای یا زیرمنطقه‌ای به منظور دستیابی به اهداف کنوانسیون متعهد ساخت (Freestone, 2007: 1-3). این مقررات و رویه‌های نو، به‌خودی‌خود در معاهدات پیش از کنوانسیون حقوق دریاها سابقه‌ای نداشته‌اند؛ برای مثال، این مفهوم به طور طبیعی از کنوانسیون نشئت گرفت که بستر دریا و منابع موجود در آن که فراتر از صلاحیت دولت ساحلی است، به عنوان میراث مشترک بشریت اعلام گردد. دکتربین میراث مشترک، از مهم‌ترین دستاوردهای حقوق بین‌الملل در طول قرن بیستم بود که شیوه‌هایی را برای حفاظت از بخش بزرگی از فضای اقیانوس‌ها که منبع مشترک قابل دسترس و تقسیم برای همه دولت‌هاست، ایجاد کرد (Anton & Makgill & Payne, 2011: 6).

سازوکار اجباری نیز یکی از ویژگی‌های مهم و نوپدید نظام حل و فصل اختلافات کنوانسیون است؛ هر چند ممکن است تأثیر آن با خروج بخش‌های خاصی از اختلافات (در مورد حقوق کشور ساحلی در زمینه ماهی‌گیری و تحقیقات علمی در منطقه انحصاری اقتصادی یا اختلاف در تحدید حدود دریایی، اختلافات مربوط به فعالیت‌های نظامی و دیگر فعالیت‌ها که ممکن است توسط شورای امنیت در انطباق با مسئولیت‌هایش بر اساس منشور تحت بررسی باشد) تا اندازه‌ای ضعیف شود (Jesus, 2009: 3-4) اما در نهایت، کشورهای عضو کنوانسیون، باید اختلافات خود را در چهارچوب یکی از سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در بخش پانزدهم کنوانسیون حل و فصل کنند.

۶. نوآوری‌های دیوان بین‌المللی حقوق دریاها

استمرار و نوآوری، دو ویژگی لازم برای کارآمدی هر نهاد قضایی است. اولی، پیروی از رویه‌ها و قواعد مطلوب را تضمین می‌کند و دومی، سازگاری و پاسخگویی قواعد با نیازهای جدید را (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۴: ۶۲). دیوان بین‌المللی حقوق دریاها دیوانی تخصصی است که با توجه به تحولات گسترده در حقوق بین‌الملل و پیچیده‌تر شدن حقوق دریاها، کوشیده است با اتخاذ شیوه‌های نو، اختلافات موجود در این بخش را حل و فصل کند.

۱.۶. اقدامات موقت

بیشتر نوآوری‌های دیوان، مواردی است که در خصوص اعماق بستر دریا، فراتر از محدوده صلاحیت ملی و حمایت از محیط زیست دریایی است و در بخش صلاحیت دیوان برای صدور دستور اقدامات موقت بازتاب یافته است. بر اساس بند ۵ ماده ۲۹۰ کنوانسیون، دیوان ممکن است اقدامات موقت را نه تنها برای محافظت از حقوق کشورها، بلکه برای «جلوگیری از صدمه جدی به محیط زیست دریایی» اجازه دهد (Wolfsum, 2006: 5). در واقع، اگر وضعیت اضطراری باشد و دادگاه داوری صلاحیت اولیه را داشته باشد، می‌تواند مواردی را به عنوان اقدام موقت اعلام کند که تا کنون در نه مورد دستور اقدام موقت صادر کرده است. پرونده ماهی تن بلوفین جنوبی، از مهم‌ترین آن‌هاست که تأثیر سازنده‌ای در زمینه حقوق دریاها از طریق (الف) تسهیل همکاری بین کشورها، (ب) حصول اطمینان از انطباق با قوانین و هنجارها، (ج) حفظ یکپارچگی اصول حاکم بر کنوانسیون، و به طور کلی (د) کاهش تنش و حفظ صلح ایجاد کرده است.

در سال ۱۹۹۳ سه کشور ژاپن، استرالیا و نیوزلند، کنوانسیون با عنوان «کنوانسیون حفظ ماهی‌های تن آبی باله»، جهت حفاظت و مدیریت منابع ماهی تن ایجاد کردند. سه کشور در مورد اهمیت و ضرورت صید آزمایشی نظر موافق داشتند اما در این میان، ژاپن با اتخاذ روش‌های متفاوت در صید و افزایش حجم آن، توافق با دو کشور دیگر را نقض کرد. این مسئله موجب شد استرالیا و نیوزلند در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹، به طرح دعوا نزد دیوان بین‌المللی حقوق دریاها اقدام کنند (رضایی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۵۶).

استرالیا و نیوزلند ضمن تقدیم درخواست به دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، درخواست کردند تا زمان تشکیل دیوان داوری طبق پیوست هفتم، ژاپن به توقف برنامه ماهی‌گیری آزمایشی یک‌جانبه از ذخایر ماهی تن بلوفین جنوبی ملزم شود. ژاپن در مقابل، صلاحیت دیوان را با این استدلال به چالش کشید که احتمال بروز «خسارت جبران‌ناپذیر» و هیچ «فوریت» یا ضرورتی در تقاضای شاکیان وجود نداشته است؛ درحالی‌که طبق ماده ۲۹۰ کنوانسیون، وجود شرایط مذکور برای صدور دستور موقت ضروری است (ناری تانی، ۱۳۹۳: ۶۳).

دولت‌های خواهان به طور صریح به اصل احتیاط متوسل شدند و اعلام کردند که این اصل به موجب ماده ۱۱۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ قابل اعمال است. به نظر این کشورها، زمانی که خسارت جدی و غیر قابل جبرانی نسبت به محیط زیست وجود داشته باشد، اصل احتیاط به عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل اعمال می‌شود.

در ۲۷ آگوست ۱۹۹۹، دیوان شش اقدام دستور موقتی تجویز کرد که بسیاری از آن‌ها تأثیر گسترده و سازنده‌ای در حقوق دریاها داشت. اول اینکه، از طرف‌های اختلاف خواست تا

هیچ‌یک از طرفین اقدامی نکنند که به گسترش و یا تشدید اختلاف یا به پیش‌داوری در هرگونه تصمیم‌گیری در ماهیت دعوا بینجامد و با آگاهی از این واقعیت که ذخایر ماهی تن به حفاظت نیاز دارد، کشورها نباید از میزان تخصیص ملی خود تجاوز کنند و باید از انجام هرگونه برنامه ماهی‌گیری آزمایشی بپرهیزند، مگر اینکه تخصیص ملی مربوطه در نظر گرفته شده باشد. دیوان با تشویق استرالیا، نیوزلند و ژاپن به حضور در میز مذاکره تعهد به همکاری به منظور رسیدن به توافق در مورد اقدامات حفاظتی و مدیریت از ذخایر ماهی تن بلوفین جنوبی پیش رفت. طرفین در این شرایط باید به صورت محتاط عمل کنند و مراقب باشند تا تدابیر حفاظتی مؤثری برای جلوگیری از آسیب‌های شدید به ذخیره ماهی تن آبی باله اتخاذ شود. دستور موقت اشعار می‌دارد تدابیر حفاظتی بر اساس عدم یقین و قطعیت علمی اتخاذ شده است (رمضان قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

در سال ۲۰۱۵، در پرونده انریکا لکسی^۱، دیوان با درخواست ایتالیا مبنی بر صدور دستور موقت در خصوص رسیدگی‌های قضایی مقامات هندوستان علیه دو عضو نیروهای مسلح ایتالیا روبه‌رو شد (Golitsyn, May 2016: 5). در مورد اخیر، دادگاه نه تنها مسائل بسیار متناقض بین طرفین را حل و فصل کرد، بلکه تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون در خصوص مصونیت کشتی‌های جنگی در آب‌های داخلی را تبیین نمود.

نمونه‌ای دیگر از تصمیم‌گیری در مورد درخواست تجویز اقدامات موقت که سهم چشمگیری در توسعه قوانین بین‌المللی داشته است، دستور صادرشده در ۱۵ آوریل ۲۰۱۵ توسط شعبه ویژه دادگاه در اختلاف بین غنا و ساحل عاج در خصوص تعیین مرز دریایی در اقیانوس اطلس است. ساحل عاج در درخواست خود خواستار صدور دستور موقت برای اجبار غنا به اتخاذ «تمام اقدامات لازم برای توقف همه عملیات‌های اکتشاف و بهره‌برداری از نفت» در منطقه مورد اختلاف شد. غنا نیز از شعبه مربوطه تقاضا کرد درخواست‌های ساحل عاج در مورد اقدام دستور موقت را رد کند. دادگاه در این پرونده معتقد بود: «فعالیت‌های اکتشافی و بهره‌برداری برنامه‌ریزی‌شده از سوی غنا، ممکن است پیش از تصمیم ماهیتی دادگاه در این مورد، تأثیر غیرقابل جبرانی بر حقوق انحصاری و حاکمیتی مورد ادعای ساحل عاج در فلات قاره و آب‌های همسایه منطقه اختلافی ایجاد کند. افزون بر اینکه خطر چنین تأثیری قریب‌الوقوع است». در ادامه شعبه اظهار می‌دارد: «خطر قابل پیش‌بینی جبران‌ناپذیری وجود دارد، به ویژه در مواردی که فعالیت‌ها منجر به تغییرات قابل ملاحظه و دائمی در وضعیت فیزیکی منطقه مورد اختلاف می‌شود» و «با توجه به ماهیت موضوع، هیچ جبران خسارتی قادر نخواهد بود وضعیت موجود را در مورد زیردریا و زیرزمین به وضع سابق بازگرداند». شعبه

1. Enrica Lexie (The Enrica Lexie Incident) (Italy v India)

ویژه همچنین اعلام کرد: «تعلیق فعالیت‌های جاری غنا که مربوط به حفاری بوده است، زیان قابل توجه مالی به غنا و صاحبان امتیاز وارد می‌نماید و همچنین می‌تواند خطر جدی به محیط زیست دریا تحمیل کند». به این ترتیب، دادگاه به این نتیجه رسید که دستور توقف، تنها به فعالیت‌های آتی معطوف شود و شامل اکتشاف یا بهره‌برداری که توسط غنا یا از طرف غنا در منطقه مورد اختلاف انجام شده، نگردد (Golitsyn, May 2016: 5-6).

در واقع، در بررسی پرونده‌های اقدام موقت و رسیدگی‌های قضایی پس از آن، مشخص می‌شود که دیوان از طریق تشویق و ترغیب کشورهای طرف اختلاف به همکاری و تبادل نظر و مذاکرات بیشتر با یکدیگر و استفاده از سازوکار حل و فصل اختلافات، صلح و امنیت بین‌المللی را ترویج کرده است. در واکاوی پرونده‌های اقدامات موقت در دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، این واقعیت محض وجود دارد که اقدامات موقت ظاهراً دولت‌های متعاقد را به سیاستی آشتی‌جویانه‌تر تحریک می‌کند و دیوان تشویق و یا سفارش به همکاری میان کشورها را در شیوه‌های مختلف دنبال کرده است. از آنجا که اقدامات موقتی تجویز شده توسط دیوان بین‌المللی حقوق دریاها و گزارش‌دهی برای انطباق خود با آن‌ها الزام‌آور است، کشورها باید چنین اقداماتی را جدی بگیرند. در نتیجه، همکاری بین طرفین، در واقع به کاهش تنش بین آن‌ها انجامیده است (Churchill, 2006: 4-5).

۲.۶. آزادی فوری

توقیف کشتی‌ها در دنیای امروز جزء مسائل مهمی است که دولت‌ها معمولاً قوانین و مقررات ویژه‌ای را به آن اختصاص داده‌اند. مقررات بین‌المللی نیز با هدف هماهنگ ساختن آن‌ها تدوین شده‌اند (زواره طباطبایی، ۱۳۷۸: ۸). آزادی سریع کشتی و خدمه آن، سازوکار جدیدی است که ماده ۲۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها، به عنوان مقرراتی جدید و خلاقانه در حقوق بین‌الملل دریاها به آن می‌پردازد (Escher, 2004: 2).

به موجب کنوانسیون حقوق دریاها، دولت ساحلی می‌تواند کشتی کشورهای دیگر را به سبب تخلف از قوانین و مقررات بین‌المللی و داخلی خود توقیف کند. در مقابل، دولت صاحب پرچم نیز حق خواهد داشت، چنانچه دولت توقیف‌کننده کشتی مقررات کنوانسیون را در خصوص رفع توقیف از کشتی یا خدمه آن (که به ادعای نقض قوانین ماهی‌گیری (بند ۲ ماده ۷۳) یا بروز آلودگی دریایی (بند ۷ ماده ۲۲۰ و جزء ب بند ۱ ماده ۲۲۶) توقیف شده‌اند)، رعایت نکرده باشد، آزادی فوری کشتی و خدمه را تقاضا کند (ماده ۲۹۲). در این صورت، ممکن است دولت ساحلی برای آزادی کشتی متخلف و خدمه آن، وثیقه یا ضمانت‌های مالی دیگری را درخواست کند. دیوان در صورت احراز صلاحیت، رسیدگی جهت انطباق یا عدم

انطباق مقررات کنوانسیون برای آزادی فوری را آغاز می‌کند. سرانجام، دیوان تنها نهادی است که میزان و معقول بودن وثیقه و یا دیگر تضمین‌ها را مشخص و سپس دستور آزادی کشتی و خدمهٔ بازداشت‌شده را صادر می‌کند (زواره طباطبایی، ۱۳۷۸: ۸۲). همچنین دیوان باید دادخواست آزادی کشتی‌ها و خدمه‌ها را بیش از همهٔ دادرسی‌های دیگر نزد خود در اولویت قرار دهد. اگر دیوان درخواستی برای آزادی کشتی یا خدمه از توقیف و درخواستی برای صدور اقدامات موقت را دریافت کند، باید اقدامات لازم را به گونه‌ای اتخاذ کند که از رسیدگی به هر دو درخواست بدون تأخیر اطمینان یابد (بند ۱ مادهٔ ۱۱۲ آیین دادرسی دیوان بین‌المللی حقوق دریاها). همچنان که از مادهٔ پیش‌گفته برمی‌آید، دادگاه بالاترین اهمیت را به خروج پرونده‌های آزادی سریع نزد خود نشان داده است. آن چه پیش از آزادسازی کشتی و خدمه مهم است، میزان و نحوهٔ تعیین میزان وثیقه است. با بررسی‌های انجام‌شده، روشن می‌شود که رویهٔ دیوان کاهش وثیقه‌های اعلامی از سوی دولت‌های بازداشت‌کننده به عنوان وثیقه‌های نامعقول بوده است. با وجود این، دیوان در بهترین حالت، برخی از عوامل را که در ارزیابی معقول بودن وثیقه‌ها مرتبط هستند، بیان می‌کند (The “Camouco” Judgment, 2000, para 67) و در آراء صادره در مورد میزان وثیقهٔ نهایی، ملاحظات و معیارهای مربوط به تعیین مقدار آن را بازتاب نمی‌دهد (Frankx, 2002: 338).

دیوان با صراحت اعلام می‌کند کشورهای جهان، «روند رسیدگی‌های دادگاه را با دقت و مضطربانه مشاهده می‌کنند». رویهٔ «تنزیل» ماهیت و شکل وثیقه که گفته می‌شود حداقلی است، موجب افزایش نگرانی میان کشورهای ساحلی شده است؛ زیرا درخواست آن‌ها برای تعیین مقدار وثیقه، مورد بررسی دقیق دیوان قرار می‌گیرد (Serdy & Bliss, 2004: 273). به ویژه در پرونده‌های ام وی سایگا، کومکو^۱، مونته کونفورکو^۲، گرندپرنس^۳ و ولگا، به درخواست دیوان بعضی جزئیات، رویه‌های دولت ساحلی، قوانین و مقررات مرتبط با ماهی‌گیری غیرقانونی و سازگاری تکالیف توصیه‌شده با مقررات کنوانسیون مورد ارزیابی قرار گرفت (Rothwell & Stephens, 2004, para 67). با توجه به نبود شیوه‌نامه‌های صریح در عرصهٔ بین‌الملل، دولت‌های ساحلی مطمئن نیستند چگونه وثیقه‌ای را تعیین کنند که از سوی دیوان، وثیقهٔ نامعقول تلقی نشود. این مسئله، افزون بر تأثیر منفی بر قضاوت ملی کشورها، ممکن است در چهارچوب گسترده‌تر موجب سوء استفاده شود (Frankx, 2002: 338). هر چند از همهٔ عوامل و معیارهایی که دادگاه در پروندهٔ کومکو برشمرد و در قضاوت‌های بعدی آن‌ها را تکرار کرد، به نظر می‌رسد به معیارهای خاصی مانند «ارزش کشتی بازداشت‌شده و محمولهٔ کشف و ضبط‌شده» و

1. Camouco
2. Monte Confurco
3. Grand Prince

«میزان وثیقه‌های اعمال شده توسط دولت بازداشت‌کننده» اشاره شده است (The “Volga” Judgment, 2002, para 69). معیارهای خاصی مانند ایجاد تعادل و موازنه میان منافع دولت ساحلی و دولت صاحب پرچم، تناسب میان جرم و مجازات، میزان خسارت، جریمه نقدی، ارزش کشتی بازداشت‌شده و محموله کشف و ضبط‌شده و میزان وثیقه‌های اعمال‌شده توسط دولت بازداشت‌کننده، اشاره شده است (The “Volga” judgment 2002, para 11, 69).

البته باید به این نکته توجه داشت که در زمان تدوین کنوانسیون و بررسی آزادسازی کشتی و خدمه، نگاه اقتصادی به مسائل وجود داشت و در آن زمان حقوق بشر جایگاه کنونی خود را نیافته بود. از این رو، شاید در بحث اصلی در کنوانسیون، آزادی کشتی مطرح بوده تا خدمه، اما رفته‌رفته با جدی شدن مباحث حقوق بشری، آزادی فوری خدمه پررنگ‌تر شد. آراء اخیر برخی دادگاه‌ها، از جمله دادگاه اروپایی حقوق بشر، نشان می‌دهد که حقوق دریاها ممکن است با پذیرش قواعدی که به حمایت از حقوق بشر کمک می‌کند، با این بخش از حقوق مرتبط باشد (Treves, 2011: para 130).

۳.۶. نظر مشورتی دیوان بین‌المللی حقوق دریاها

درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی حقوق دریاها به عنوان دادگاهی کامل، یکی دیگر از ویژگی‌های بی‌مانند آن است. بر اساس مقررات موجود، دو شیوه کلی برای صدور نظر مشورتی دیوان به رسمیت شناخته شده است:

اول) به موجب ماده ۱۹۱ کنوانسیون حقوق دریاها، شعبه اختلافات بستر دریاها می‌تواند به درخواست مجمع و یا شورای مقام بین‌المللی بستر دریاها در حوزه فعالیت‌های مربوط به بستر و زیر بستر منطقه میراث مشترک بشریت نظر مشورتی صادر کند، مانند درخواست کشور نائورو از دیوان در ۶ می ۲۰۱۰ برای صدور نظر مشورتی در زمینه مسئولیت‌ها و تعهدات حقوقی دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها که از فعالیت‌ها در بستر و زیر بستر دریای آزاد حمایت می‌کنند (ISBA/16/c/6, 2010)؛

دوم) ماده ۲۱ اساسنامه دیوان است که چنین نقشی را به طور ضمنی برای آن در نظر می‌گیرد. در واقع، ماده ۱۳۸ آیین دادرسی دیوان مبتنی بر ماده مذکور است که صلاحیت گسترده‌ای را به دیوان اعطا می‌کند، آنگاه که اظهار می‌دارد: «صلاحیت دادگاه شامل همه اختلافات و تمام درخواست‌های ارائه‌شده به آن، مطابق با کنوانسیون و همه امور، به ویژه در هر موافقت‌نامه دیگری است که صلاحیت را به دادگاه اعطا کرده است» (Jesus, 2009: 8-9). به

۱. نظر مشورتی در کنوانسیون حقوق دریاها در بند ۱۰ ماده ۱۵۹ و ماده ۱۹۱ گنجانده شده است. البته بند ۸ ماده ۱۶۱ و بند ۲ ماده ۴۰ اساسنامه نیز اشاره‌ای به نظریات مشورتی دارند.

همین منظور، چنانچه یک موافقت‌نامه بین‌المللی مرتبط با اهداف کنوانسیون، از دیوان درخواست نظر مشورتی نماید، دیوان می‌تواند پس از احراز صلاحیت، به صدور نظر مشورتی اقدام کند (Becker, 2013). این، نوآوری عرفی مهمی است که روشی انعطاف‌پذیر و رویکردی تازه در مورد نهادهایی است که نظر مشورتی را درخواست می‌کنند (JESUS, 2009: 8).

از سوی دیگر، شعبه دعوی بستر دریاها در کنوانسیون حقوق دریاها و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها موقعیت ویژه‌ای دارد؛ در حالی که شعبه جزء جدایی‌ناپذیر دادگاه است، اما صلاحیتی بی‌مانند و مستقل از دادگاه دارد و محدود به فعالیت مشورتی شعبه نیست، بلکه شامل پرونده‌های متناقض و اختلافاتی می‌شود که «با توجه به فعالیت‌ها در منطقه» ناشی می‌شود. شعبه در نظر مشورتی اول فوریه ۲۰۱۱، توضیحات مهمی را درباره مسائل اساسی ناشی از اجرای رژیم کنوانسیون در مورد معادن در عمق بستر دریا، ارائه می‌دهد؛ از جمله آن که مسئولیت دولت‌های حامی و قراردادهایی که توسط آن‌ها حمایت می‌شود، موازی است. وظیفه دولت حامی، ناشی از ناتوانی در انجام مسئولیت‌های خود است و هیچ مسئولیت باقی‌مانده‌ای وجود ندارد (Golystyn, may 2016: 8). با توجه به دو رأی مشورتی صادره از سوی دیوان باید اذعان کرد دیوان با ارائه نظرات مشورتی در تفسیر و اجرای کنوانسیون و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل سهم بسیاری داشته است.

۴.۶. رسیدگی‌های غیردولتی

صلاحیت شخصی^۱ دیوان نشانه پیشرفتی چشمگیر در حقوق بین‌الملل عرفی است. صلاحیت رسیدگی به دعوی افراد حقیقی، اگرچه جزء نوآوری‌های دیوان شمرده نمی‌شود اما در چهارچوب توسعه شکلی دیوان جای می‌گیرد. پیش از این به طور سنتی، تنها دولت‌ها به دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی دسترسی داشتند؛ درحالی‌که در دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، ممکن است شماری از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، مقام بین‌المللی بستر دریاها، شرکت‌ها یا اشخاص حقیقی و حقوقی نزد دیوان و شعبه دعوی بستر دریاها، طرف دیگر اختلاف باشند. این رویه، واکنشی به ضرورت شناسایی افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی و پیمانکاران و سرمایه‌گذاران درگیر در معدن‌کاری در اعماق بستر دریا برای حل و فصل اختلافات بالقوه است. به نظر می‌رسد بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان یک گام پیش رفته و امکان دسترسی به دیوان را به نهادهای دیگر، غیر از دولت‌های عضو داده است.

از جمله نوآوری‌های دیگر دیوان، تأکید و توسعه مفهومی به نام دوست دادگاه است. دوست دادگاه شخصی است که طرف پرونده یا درگیر در پرونده نیست ولی به دلایلی

می‌خواهد با دادگاه همکاری کند. در اسناد مربوط به دیوان اشاره‌ای به دوست دادگاه نشده است ولی قواعد دادرسی این اجازه را به سازمان‌های دولتی داده است که به ابتکار خود اطلاعاتی را در پرونده‌ای خاص در اختیار دادگاه قرار دهند، اما این امکان برای سازمان‌های غیردولتی در نظر گرفته نشده است. با این حال، دیوان در پرونده قطب شمال به درخواست همکاری یک سازمان غیردولتی پاسخ مثبت داد (جنابزاده، ۱۳۹۴).

۵.۶. افزایش کارایی و سرعت در رسیدگی‌ها

در نهایت می‌توان گفت عرف و قواعد ایجادشده از سوی دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای، روش‌های سریع و ارزانی را ایجاد کرد که دادرسی عادلانه را تضمین می‌کند. اگرچه برای تدوین آن‌ها از قواعد دیوان بین‌المللی دادگستری الهام گرفته شده است، اما دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای دریافت که برخی از تنظیمات برای افزایش کارایی در رسیدگی‌ها ضروری است. بر همین اساس بود که در این مقررات، یک گام دیگر را به روند رسیدگی‌ها افزودند که در واقع همان مذاکرات اولیه قبل از آغاز جلسه دادرسی است که به موجب آن، قضات این اجازه را دارند تا از آن مورد شناخت کاملی داشته باشند.^۱ آیین دادرسی دیوان مقرر می‌دارد که رسیدگی نزد دادگاه باید بدون تأخیر و هزینه‌های غیرضروری انجام گیرد. به این منظور، برای تقدیم لوایح موعده معینی تعیین شده است، دستورالعمل‌ها شرایط جدیدی را در خصوص اندازه، شکل و شیوه ارائه لوایح و برگزاری جلسات استماع و استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیکی مقرر داشته‌اند؛ حتی برای ارائه اظهارات و دفاعیات شفاهی، موعده مشخصی تعیین شده است تا برای طرفین مشکلی ایجاد نشود (خارا رانو، ۱۳۸۴: ۲۶۷).

نتیجه

حقوق بین‌الملل دریاهای، بسترهای ارتباطی دولت‌ها را در زمینه دریاهای و اقیانوس‌ها فراهم کرده است. در پی تصویب کنوانسیون حقوق دریاهای، بخش عظیمی از سطح، بستر و زیر بستر دریاهای جهان به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت کنترل صلاحیتی دولت‌ها قرار گرفت. یکی از اهداف کلیدی کنوانسیون حقوق دریاهای که در فضایی مبتنی بر درک حقوق بین‌الملل و همکاری میان دولت‌ها منعقد شد، ایجاد نظام حقوقی برای دریاهای و اقیانوس‌ها بوده است. تدوین‌کنندگان کنوانسیون آگاه بودند که اجرای مؤثر چنین سامانه جامع حقوقی‌ای، نیازمند نظام حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است.

۱. همچنین دیوان، اصلاحات دیگری را ارائه کرد که عبارت‌اند از: ۱. آیین دادرسی دادگاه؛ ۲. قطعنامه راجع به آیین کار داخلی؛ ۳. شیوه‌نامه مربوط به آماده‌سازی و ارائه پرونده به دادگاه.

دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، به عنوان یکی از سازوکارهای این نظام، سهم چشمگیری در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل داشته است. در مواردی که کنوانسیون حقوق دریاها دارای ابهام بوده، دیوان به شفاف‌سازی و تبیین معیارها اقدام کرده است. پیش‌بینی مواردی مانند معیارهای تعیین وثیقه معقول در زمینه آزادی فوری کشتی و یا سایر مسائل، هنجارهای موجود در کنوانسیون را تقویت کرده است؛ برای نمونه، تصمیم دادگاه در ماهیت پرونده سایگا که دادگاه علیه تلاش دولت ساحلی برای گسترش صلاحیت خود در منطقه انحصاری اقتصادی فراتر از آنچه کنوانسیون اجازه می‌دهد، رأی داده است. در واقع، دادگاه به عنوان مرجع دائمی و کارآمد که قضات آن از تخصص حقوقی بالایی برخوردارند، از یک سو می‌تواند با استفاده از رویه‌ها و قواعد موجود به حل مسالمت‌آمیز اختلافات و تفسیر حقوق دریاها کمک کند و از سوی دیگر، با اتخاذ شیوه‌های بدیع و نوین با تحولات جامعه بین‌المللی سازگاری یابد و پاسخگوی نیازهای جدید باشد.

بدیهی است هزینه حفظ یک دادگاه دائمی بین‌المللی، مانند دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، بسیار کمتر از هزینه‌های یک منازعه خواهد بود. مقررات حل و فصل اختلافات کنوانسیون نقش بزرگی در اداره اقیانوس‌ها ایفا می‌کند و اطمینانی را ایجاد کرده است که صلح جهانی به وسیله تشدید یک اختلاف دریایی تخریب نخواهد شد و بی‌گمان با افزایش تخصص‌گرایی در منازعات بین‌المللی، امکان حل و فصل مسالمت‌آمیز آن‌ها با سرعت و دقت بیشتری فراهم می‌شود (Sohn, 1994: 245).

افزایش شمار پرونده‌های ارجاعی به دیوان، نشانه آن است که دیوان برای انجام مسئولیت‌های کلیدی که از سوی کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها به آن سپرده شده^۱، ظرفیت کافی دارد. در واقع، دیوان با اتخاذ تصمیماتی متقن و پایدار که بر استدلال‌های حقوقی استوار است، زمینه را برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی فراهم کرده است؛ چراکه بسیاری از موارد ارجاعی به دیوان، به اختلافات پیچیده میان دولت‌های درگیر بازمی‌گردد که با وجود تلاش‌های گسترده برای حل آن از طریق مذاکره، ناتوان بوده‌اند؛ مانند تحدید حدود دریایی در خلیج بنگال که سرانجام از طریق دیوان حل و فصل شد. در واقع، دیوان و دادگاه داوری پیوست هفتم، در کاهش تنش بین طرفین اختلاف و پرورش روح همکاری بین منازعه‌گران، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، کمک‌های سازنده‌ای را انجام داده‌اند.

۱. حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات میان کشورهای عضو در خصوص تفسیر یا اجرای کنوانسیون و به منظور مشارکت در توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دریاها.

افزون بر این، هنگامی که تهدیدی قریب‌الوقوع برای محیط زیست دریایی وجود داشت، ارکان حل و فصل اختلافات نیز با هدایت طرفین اختلاف برای ادامه مسیر با دوران‌دیشی، نقش مستقیم و سازنده‌ای ایفا کرده‌اند.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیم گل، علی‌رضا (۱۳۹۴). «تحدید حدود فلات قاره در ماورای ۲۰۰ میل: تحدید حدود مرز دریایی فیما بین بنگلادش و میانمار در خلیج بنگال». همایش تحولات حقوق بین‌الملل دریاها بیست سال پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاها، چاپ اول، تهران: نشر گنج دانش.
۲. انصاری، نرگس (۱۳۹۴). «آلودگی صوتی دریایی: خلأ قانونی در کنوانسیون حقوق دریاها». مجموعه مقالات همایش تحولات حقوق بین‌الملل دریاها، تهران: نشر گنج دانش.
۳. جناب‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۹۴). «نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در رویه قضایی بین‌المللی». پایگاه نشر مقالات حقوقی حقوق‌گستر.
۴. حبیبی، همایون؛ شاملو، سوده (۱۳۹۳). «نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حقوق بین‌الملل». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۴۱، ص ۷۱-۱۱۴.
۵. خارا راثو، چاندراسی (۱۳۸۴). «دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها: یک ارزیابی». ترجمه علی قاسمی، در فصلنامه مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۳، ص ۲۴۵-۲۷۰.
۶. رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست‌محیطی در پرتو آرا و تصمیمات مراجع بین‌المللی». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۰، ص ۱۴۱-۱۶۴.
۷. شهبازی، آرامش (۱۳۸۹). «تکثر سیستم قضایی بین‌المللی». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال دوازدهم، شماره ۲۹، ص ۱۱۵-۱۶۰.
۸. خلیلی، اسماعیل (۱۳۹۱). «بررسی مقررات و قوانین ایران در مورد حقوق دریاها از منظر حقوق بین‌الملل». مقالات همایش ملی حقوق بین‌الملل در آینه علوم روز.
۹. زواره طباطبایی، فائزه (۱۳۷۸). «تسریع در آزادسازی کشتی و خدمه در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۰. مدنی، سیدضیاءالدین (۱۳۹۲). «پیامدهای رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها بر علوم دریایی». فصلنامه اقیانوس‌شناسی، سال چهارم، شماره ۱۳، ص ۶۱-۷۲.
۱۱. مدنی، سیدضیاءالدین (۱۳۹۲). «تنوع در راهکار یا پیچیدگی در ساختار: روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی حادث در نتیجه انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها». مجله علوم و فنون دریایی، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۶۶-۸۰.
۱۲. میرحیدر، غلامی؛ میراحمدی، دره؛ بهادر، فاطمه‌سادات (۱۳۹۳). «جغرافیای سیاسی و حقوق بین‌الملل دریاها». مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۶، شماره ۲، ص ۳۳۷-۳۶۰.
۱۳. میرعباسی، سید باقر؛ سادات میدانی، سیدحسین (۱۳۸۷). «ادرس‌های بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری مسائل روز: چکیده آرا و اسناد». تهران: انتشارات جنگل.
۱۴. نثاری ثانی، زهرا (۱۳۹۳). «مقایسه آراء دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌الملل حقوق دریاها در قضایای مرتبط با حقوق ماهی‌گیری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

(ب) خارجی

15. Antunes, Paula and Rui Santos (1999). "Integrated Environmental Management of the Oceans". *Ecological Economics*, Vol. 31, No2.
16. Anton, Donald K, Robert A Makgill, and Cymie R Payne (2011). "Seabed Mining, Advisory Opinion on Responsibility and Liability". *Environmental Policy and Law*, Vol.41, No.2.
17. Becker, Michael A (2013). "Sustainable Fisheries and the Obligations of Flag and Coastal States: The Request by the Sub-Regional Fisheries Commission for an ITLOS Advisory Opinion" *ASIL*, Vol.17, Issue.19.
18. Escher, Anne-Katrin (2004). *Release of Vessels and Crews before the International Tribunal for the Law of the Sea*. The law and Practice of International Courts and Tribunals. Koninklijke Brill NV, Leiden, The Netherlands.
19. Freestone, David (2007). "Twenty-Five Years of the Law of the Sea Convention 1982-2007". *The International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol.22, No 1.
20. Franckx, Erik (2002). "Reasonable Bond in the Practice of the International Tribunal for the Law of the Sea." *California Western International Law Journal* :Vol. 32 No .2 , Article5.
21. Gorshkov, S G (1979). *The Sea Power of the State*: Naval Institute Press, Annapolis (Maryland).
22. Moon, Ban ki (2016) .The Secretary General Remarks at Ceremony Commemorating twentieth Anniversary of the Establishment of the International Tribunal for the Law of the Sea. Hamburg, 7 October 2016. Or https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/calendar_of_events/20_anniversary/Ban.pdf
23. Mensah, Thomas A (1999). "The Role of Peaceful Dispute Settlement in Contemporary Ocean Policy and Law". in Davor Vidas and Willy Østreng Order for the Oceans at the Turn of the Century (Kluwer Law International, The Hague).
24. Oxman, Bernard H (1995). "The Rule of Law and the United Nations Convention on the Law of the Sea". *EJIL*, Vol.7.
25. Rao, Patibandla Chandrasekhara (2011). "Law of the Sea, Settlement of Disputes". *Encyclopedia Entries. Max planck of public International Law*.
26. Robin Churchill" The International Tribunal for the Law of the Sea: Survey for 2003(4)19 (2004) "*IJMCL* 369, 379.
27. Rules of ITLOS (International Tribunal for the Law of the Sea).
28. Serdy, Andrew and Michael Bliss (2004). *Prompt Release of Fishing Vessels: State Practice in the Light of the Cases before the International Tribunal for the Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers: Leiden.
29. Sohn, Louis B (1995). "*The Importance of the Peaceful Settlement of Disputes Provisions of the United Nations Convention on the Law of the Sea*" in M H Nordquist and J N Moore, Entry into Force of the Law of the Sea Convention (Martinus Nijhoff Publishers, The Hague).
30. Sohn, Louis B (1994). "*The Role of Dispute Settlement in Ocean Governance*" in Thomas A Mensah, Ocean Governance: Strategies and Approaches for the 21st Century, The Law of the Sea Institute, University of Hawaii, Honolulu.
31. Schwarte, Christoph (2004). "Environmental Concerns in the Adjudication of the International Tribunal for the Law of the Sea". *16 Geo Intl Envtl L Rev* 421, 438.
32. Statement by H. E. Judge Rüdiger Wolfrum (2006). President of the International Tribunal for the Law of the Sea, to the Sixth Committee of the General Assembly of the United Nations, New York, 20 October 2006. Or https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/statements_of_president/wolfrum/sixth_committee_201006_eng.pdf
33. Statement by JUDGE JOSÉ LUIS JESUS (2009). President of the International Tribunal for the Law of the Sea, The Gilberto Amado Memorial Lecture, held during the 61st Session of the International Law Commission, Geneva, 15 July 2009.
34. Statement of Judge Vladimir Golitsyn, President of the International Tribunal for the Law of the Sea, on the occasion of the ceremony to commemorate the Twentieth Anniversary of the Tribunal, 7 October 2016. Or https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/calendar_of_events/20_anniversary/XXth_anniversary-President_s_Statement_Ceremony_7_Oct_2016.pdf

35. Statement of Judge Vladimir Golitsyn, President of the International Tribunal for the Law of the Sea, on the occasion of the ceremony to commemorate the Twentieth Anniversary of the Tribunal, 7 October 2016 Or https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/calendar_of_events/20_anniversary/XXth_anniversary-president_s_Statement_Ceremony_7_Oct_2016.pdf.
36. Statement by Vladimir Golitsyn (2016). ITLOS at 20: Impacts of the International Tribunal for the Law of the Sea, London.
37. Statute of ITLOS.
38. Statement by JUDGE JOSÉ LUIS JESUS, President of the International Tribunal for the Law of the Sea, The Gilberto Amado Memorial Lecture, held during the 61st Session of the International Law Commission, Geneva, 15 July 2009.
39. Treves, Tullio. (2011). *Law of the Sea*, Max Planck Encyclopedia of Public International Law.
40. Treves, Tullio. (2015). *Law of the sea: from Grotius to the International Tribunal for the Law of the Sea: liber amicorum Judge Hugo Caminos*, Leiden, The Netherlands, Brill Nijhoff.
41. *The United Nations Convention on the Law of the Sea* (A Historical perspective) (1998). The United Nations Division for Ocean Affairs and the Law of the Sea.
42. *The United Nations Convention on the Law of the Sea* (A Historical Perspective) (1998). The United Nations Division for Ocean Affairs and the Law of the Sea. Or http://www.hwwilsoninprint.com/pdf/RS_ocean_pgs.pdf
43. Treves, Tullio (2010). Human Right and the law of the Sea, Berkely Journal of International Law. Volume 28, Issue 1.
44. Treves, Tullio (2004). The Procedure before the International Tribunal for the Law of the Sea; The Rules of the Tribunal and Related Documents, Leiden Journal of International Law.
45. The Speech by judge Rosalyn Higgins, President of the International Court of Justice, at Tenth Anniversary of the International Tribunal for the Law of the Sea, 29 September 2006). Or <http://www.icj-cij.org/court/index.php?pr=1880&pt=3&p1=1&p2=3&p3=1>
46. The Speech by judge Rosalyn Higgins, President of the International Court of Justice, at the Sixtieth Anniversary of the International Law Commission , 19 May 2008) Or <http://www.icj-cij.org/presscom/files/8/14488.pdf>
47. The "Camouco" Judgment, 2000, (Panama v. France), Prompt Release.
48. The "Volga" Judgment, 2002, (Russian Federation v. Australia), Prompt Release.
49. The Southern Bluefin Tuna Cases (1999). (New Zealand v. Japan; Australia v. Japan), Provisional Measures.
50. UNCLOS, (United Nations Convention on the Law of the Sea).
51. www.un.org
52. www.itlos.org
53. www.isa.org
54. mostafakazerooni.blogfa.com
55. www.vekalatonline.ir
56. Yashavi Nain, Significance of ITLOS: success or failure?, Rajiv Gandhi National University Of Law, Punjab. (<http://humandignityinternational.weebly.com>).